



# بهشت پستان شناسان

سخنرانی دکتر سید صادق سید سجادی  
پیرامون آخرین یافته های باستان شناختی در شهر سوخته



## آشارة

در شماره ۱۴، گزارش برگزاری همایش «همراه با تاریخ در سرزمین نیم روز» آمده بود. در جریان این همایش، بازدیدها و جلسات سخنرانی متعددی برگزار شد که مهم ترین آن ها سخنرانی های دکتر سید صادق سید سجادی، رئیس بیانات باستان شناسی شهر سوخته بود. ایشان در سه مرحله، توضیحاتی درباره اهمیت تاریخی و اطلاعات حاصل از کاوش های باستان شناسی شهر سوخته ارائه کردند. علاوه بر آن، آشاره ای هم به سایر محوطه های باستانی در استان سیستان و بلوچستان داشتند. آنچه در پی می آید، متن سخنرانی ایشان در مراسم افتتاحیه همایش (۱۲ آذر ۸۲)، جلسه بررسی یافته های شهر سوخته (۱۲ آذر ۸۲) و مراسم بازدید میهمانان همایش از محوطه شهر سوخته (۱۴ آذر ۸۲) است.



بنابراین، کاوش‌های شهر سوخته از نظر آموزشی هم مهم بوده است. کار باستان‌شناسان در این جا هم مثل سایر جاهای بازسازی جامعه‌گذشته است براساس شواهد مادی.

جناب آقای حیدری، فرماندار زابل، اشاره کردنده به جمجمه یک دختر جوان که در شهر سوخته پیدا شده. بیینند، اهمیت باستان‌شناسی این است که به ما نشان می‌دهد، دارای هویت فرهنگی هستیم. ما مردمی شناسنامه دار هستیم، بی‌بته و بدون تاریخ نیستیم. شناسنامه‌ما مثل برگه‌های یک کتاب تاریخ می‌ماند که پاره‌پاره شده است. وظیفه ما جمع آوری این پاره‌پاره‌هاست و چسباندن آن‌ها به یکدیگر. اگر مانتوانیم

به هویت اصلی خودمان برگردیم، نمی‌توانیم در دنیا پیش برویم.

خوشبختانه شهر سوخته و دهانه غلامان و سایت‌های باستانی سیستان از قابلیت‌های فراوانی برخوردارند که اگر ما باستان‌شناسان بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم، اطلاعات گرانبهایی را از گذشته خودمان به دست خواهیم آورد. از آن‌جا که اسم سیستان از نظر باستان‌شناسی فقط با شهر سوخته گره خورده است، من مجبورم از سایر سایت‌های باستانی سیستان هم دفاع کنم.

سیستان از حدود سه هزار سال قبل از میلاد تا امروز سابقه تاریخی دارد. قطعاً و صدرصد، پیش از آن هم در این جا تمدن وجود داشته است، ولی ما هنوز شواهد آن را پیدا نکرده‌ایم؛ زیرا برای مثال، جاهه‌جانی‌های گوناگون که در پست رودخانه هیرمند انجام گرفته، باعث شده است، خاک‌های رسوبی آثار کهن‌تر را پوشانند.

الف) سخنرانی دکتر سیدسجادی در مراسم افتتاحیه همایش کارهای باستان‌شناسی در سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۷۴ و پس از چند دهه توقف، آغاز شد. خوشبختانه حدود هفت سال است که ما در این جا کار می‌کنیم. در حال حاضر، تعداد گروه‌های باستان‌شناسی در سیستان و بلوچستان به حدود هشت گروه فعال رسیده است که از این تعداد، حدود شش گروه در همین هیأت باستان‌شناسی شهر سوخته هستند. علاوه بر این، در دهانه غلامان، زاهدان کهنه، زهک و برای نخستین بار در بلوچستان نیز سایر گروه‌ها مشغول کار هستند. طی این مدت، حدود سی مقاله و کتاب در مورد کاوش‌های شهر سوخته به زبان‌های فارسی، روسی، انگلیسی و ایتالیانی منتشر شده که برای چهارده ماه حفاری، بیلان بسیار خوبی است.

همچنین، گروه باستان‌شناسی شهر سوخته موفق شده است، تعداد صد و بیست کارشناس را از میان دانشجویان رشته باستان‌شناسی در دانشگاه سیستان و بلوچستان و دانشگاه زابل تربیت کند و این باعث افتخار است. یکی از هدف‌های بندۀ در آغاز کار در این جا همین بوده است که تا حد امکان، از تیروهای جوان و بالستعداد منطقه، و در این مورد خاص یعنی شهر سوخته، از جوانان بالستعداد زابلی استفاده شود و باز مفترخیم که بگوییم، تمام همکاران بندۀ در این جا توانستند به بهترین شکل کار خود را انجام بدهند. از باستان‌شناسان دیگر هم پیش گرفته‌اند و باز هم باعث افتخار است که از همین گروه باستان‌شناسی شهر سوخته، دونفر مدرک دکترا خواهند گرفت.

### ب) ساختهای دکتر سیدسجادی درباره شهر سوخته

شهر سوخته یکی از بزرگ‌ترین شهرهای باستانی ایران و خاورمیانه است. این شهر صد پنجه و یک هکتار وسعت دارد. حدود سه هزار و دویست سال قبل از میلاد پایه گذاری شده و حدود دو هزار سال قبل از میلاد هم از بین رفته است. یعنی برای یک دوره حدود هزار و دویست ساله، زندگی در این جا جریان داشته است. به عبارت دیگر، سی نسل انسانی حداقل در این جا زندگی کرده‌اند.

خود شهر به چند قسمت مجزا از هم تقسیم می‌شود. یک قسمت منطقه مسکونی است. در قسمت دیگر، کارگاه‌های گوناگون صنعتی قرار دارند. مردم شهر سوخته محل کار را ز محل زندگی خودشان جدا کرده بودند. البته در آن زمان هم، مثل خانه‌های روستایی امروزی، در بعضی خانه‌ها کارهای کوچکی وجود داشته است، ولی کار اصلی بیرون از خانه بوده است.

طیعتاً، هر شهر بخشی هم به نام گورستان دارد و در شهر جایی برای سفر آخرت در نظر گرفته می‌شود. امروزه این مکان را جایی خارج از شهر درست می‌کنند. در شهر سوخته هم همین اتفاق افتاده است. مردگانشان را خارج شهر دفن می‌کردند. در گورستان شهر سوخته، حدود ۳۷ هزار و پانصد اسکلت و قبر وجود دارد. البته ممکن است محاسبات ما دقیق نباشند، اما به احتمال قوی، حدائق سی هزار و حداده چهل هزار قبر در آن وجود دارد. یعنی ما بزرگ‌ترین آزمایشگاه تاریخ را در شهر سوخته داریم. چراکه قبرها اطلاعات بسیار زیادی در مورد نجوه زندگی مردم و مشاغل آن‌ها، ثروت و فقرشان و... به ما نشان می‌دهند. بنابراین گورستان یک منبع اطلاعات تاریخی، فنی و هنری است.

اطلاعاتی که امروزه ما خدمت شما عرض می‌کیم، براساس همین قبرهاست. تاکنون حدود سیصد قبر حفاری شده. البته در منطقه مسکونی هم کاوش‌های انجام شده، ولی بیش تر اطلاعات براساس قبرها به دست آمده است.

تا الان، چند نوع ساختار قبر در شهر سوخته پیدا کرده‌ایم که این موضوع چند معنا دارد. یک معناش این است که مردمی با دیدگاه‌های متفاوت در این جا زندگی می‌کرده‌اند. یک معنای دیگر این وجود اختلاف طبقه‌اجتماعی است.

مهم‌ترین نوع قبری که در این جا استفاده می‌شده، چاله‌ای ساده بوده است. یک چاله ساده می‌کنند، مرده را داخلش می‌گذاشتند، و هدیه

به علاوه، شهر سوخته بدون شهرک‌ها و روستاهای اقماری اش نمی‌توانسته زنده بماند؛ همان طور که حالا نیز شهرها پشتیبانی به نام روستا دارند که غذا تولید می‌کنند و اگر به شهر صنعتی، غذا وارد نشود، از بین می‌رود. بنابراین به غیر از شهر سوخته، ما هفتاد شهرک و روستا را در این جا شناسایی کرده‌ایم. موضوع جالب در سیستان این است که سه محوطه باستان‌شناسی در این جا داریم که هر کدام از آن‌ها در تاریخ باستان‌شناسی مملکت ما بیگانه هستند. البته قصد ما، انکار اهمیت سایر مناطق کشور عزیزان نیست.

دهانه غلامان تنها شهر موجود از دوره هخامنشیان است که بر اساس نقشه ساخته شده و این طور نبوده است که یواش یواش، جمعیت زیاد شود و خانه بسازند. آدم‌هایی نشسته‌اند، برنامه ریخته‌اند و این شهر را درست کرده‌اند.

سال گذشته همین دهانه غلامان اسم زابل را در تمام محافل باستان‌شناسی بر سر زبان‌ها انداخت؛ به دلیل این که ما برای نخستین بار در آن جا ناقاشی روی دیوار متعلق به زمان هخامنشی پیدا کردیم. از دوره هخامنشی یافته‌های بسیاری داشته‌ایم؛ از جمله: طلاها، ستون‌های زیبا، و تخت جمشید، ولی نقاشی دیواری تاکنون پیدا نشده بود. شبیه همین نقاشی که در دهانه غلامان پیدا شده، روی مهر شخصی داریوش شاه در مصر و در رودخانه جیحون در آسیای مرکزی هم دیده شده است. بنابراین، همان طور که می‌بینید، آثار باستانی این منطقه محدود به شهر سوخته نیست.

دهانه غلامان به خودی خود دنیایی است از اطلاعات و داده‌هایی که از نظر باستان‌شناسی اهمیت فراوان دارد. بعد می‌رسیم به کوه خواجه که بیگانه اثر خشتشی مهمی است که از زمان پارت‌ها در این جا وجود دارد. جناب آقای رئیس جمهور مبحث گفت و گوی تمدن‌ها را پیش کشیده‌اند. ما آن را در کوه خواجه به روشنی می‌بینیم، زیرا برای پروان زرتشت، مقدس و برای مسیحی‌ها مهم است. در «انجیل» مطالبی در مورد سه فرد نوشته شده است که با دیدن سtarه‌ها، محل پیدایش پیامبر جدید را فهمیده بودند و به فلسطین رفتند.

خب بحث تخصصی درباره شهر سوخته فردا شب انجام می‌شود و در این جا فقط کلیاتی را مطرح کردیم. حالا اگر سوالی هست، بفرمایید.

○ نام اصلی شهر سوخته چه بوده؟

● ما در لوحه‌های سومری، فهرستی از شهرهایی که سومری‌ها، وارداتی از آن‌ها داشته‌اند، به دست آورده‌ایم. مثلاً، از یک شهر سنگ می‌آمده، از یک شهر جانور و... در میان این شهرها، از شهری نام برده شده به نام آرته. این شهر توصیفاتی دارد که بعضی از باستان‌شناسان را به این فکر انداخته که ازته سومری همان شهر سوخته است. اما این موضوع برای عده‌ای دیگر از باستان‌شناسان پذیرفته نیست. به همین دلیل، تعیین نام اصلی شهر سوخته هنوز ممکن نیست.



داشته اند که در تمام قبرها پیدانمی شوند. در بعضی از قبرها، ظرف هایی وجود داشتهند که در آن ها غذا یا مایحتاجی می ریختند. در بعضی از قبرها هم مهره هایی هست که جنبه آینه ای دارند. این گونه مهره ها را در سه وضعیت خاص قرار می دادند: یکی زیر پای مرده، یکی زیر سرش و یکی هم زیر مهره های کمر او.

اما آنچه که در شهر سوخته زیاد یافته می شود و مهم است، سفال است. سفال یکی از عامل های جنگل زدایی انسان است، زیرا برای حرارت دادن و خشک کردن سفال، از چوب استفاده می شده است. البته برای کارهای دیگر هم، از قبیل گرم کردن خانه، پختن غذا، ذوب کردن آهن و... چوب را می سوزانندند، ولی بیشتر چوب ها برای پختن سفال از بین رفته اند.

و غذا هم کتابش قرار می دادند. نوع دیگر این قبرها، مثل همان چاله های معمولی بوده، با این تفاوت که با دیواری، قبر را به دو قسمت تقسیم می کردند. یک طرف فرد مدفون را قرار می دادند و طرف دیگر خالی می ماند. این کار بیشتر برای گول زدن ارواح بوده است.

ممکن است کسی بپرسد، در انواع دیگر چه طور ارواح را فراری می دادند. بسیار ساده است. ما همه می دانیم که سیر یک گیاه بدبوست. آن ها از سیر برای دادن ارواح استفاده می کردند.

بعضی قبرها هم سردا به ای هستند. از این قبرها حتی تا چهار بار هم استفاده می شد؛ یعنی نوعی قبر خانوادگی بوده است. کسانی که در این قبرها دفن شده اند، یا جایگاه اجتماعی خاصی یا ثروت فراوانی داشته اند.

بعضی از این قبرها دو نفره و سه نفره و بعضی هم سیزده نفره بوده اند و ما می فهمیم که این قبرها خانوادگی بوده اند. در یکی از موارد،



سفال های شهر سوخته اشکال و انواع متفاوتی دارند. بعضی از سفال ها دارای نقش های هندسی هستند. سفال چند رنگ هم تولید می کردند که البته رنگ ها، رنگ های ثابتی نیستند. رنگ ثابت فقط رنگ قهقهه ای بوده است. رنگ ها از مواد کانی بوده اند و اگر از سفال ها حفاظت نشود، رنگ ها از بین می روند. حال باید دید که این کانی ها از کجا آمده اند. آیا در منطقه سیستان و بلوچستان وجود داشته اند؟ یا باید دنبال اهالی این جا با مردمان دیگری باشیم؟

در شهر سوخته صنایع متفاوتی وجود داشته اند؛ از جمله مرمر سازی. البته کار مرمر برای ما تازگی ندارد و از همان وقت که همکاران ایتالیایی ما در این جا کار می کردند، ظرف های مرمر هم پیدا شده اند که امروز هم داریم پیدا می کنیم. ظرف های مرمر دارای شکل های متنوعی هستند: جام های پایه دار و جام های بدون پایه، هاوونگ و... کتابی هم در مورد جواهر سازی در شهر سوخته، هفتنه آینده از زیر چاپ بیرون می آید.

مردم شهر سوخته به شکار هم علاقه داشته اند؛ نه برای گذراندن وقت و تفریح، بلکه کاربری داشته است. یکی این که از صید خود برای مبادله کالا استفاده می کردند. وسائل و ابزارهای خاصی برای شکار وجود داشته است: سنگ، چوب، استخوان، قلاب های ماهیگیری و تور ماهیگیری. شهر سوخته مرکز تولید کالا بوده است؛ یعنی مرکزی بوده که شرق و غرب خاور میانه را به هم متصل می کرده است. شهر سوخته وارد کننده

یک زن و شوهر دفن شده بودند که زن حدود شش تا هشت ماه بعد از فوت شوهرش مرده بود و قبر شوهرش را باز کرده و زن را داخلش گذاشته بودند. بعضی از قبرها هم مخصوص زمانی بوده اند که یک بیماری می آمده و تمام اعضای خانواده را از بین می بردۀ است. از جمله، قبری را دیدیم که یک خانم را با دو بچه اش با هم در آن دفن کرده بودند. ما پس از پنج هزار سال، عاطفه مادری را به چشم خود می بینیم: این مادر دست خود را روی فرزندانش گذاشته است.

یک مورد قتل هم مشاهده کردیم. فردی را با خنجری کشته و سرش را از بدن جدا کرده بودند. خنجر هم کنار دستش بود. شاید او فرد خلافکاری بوده و در آن زمان خلافی کرده است و سرش را بریده اند. البته پذیرش این فکر کمی مشکل است؛ چون اگر خلاف کار بود، دیگر مراسمی برای او نمی گرفتند. آیا در شهر سوخته هم قربانی انسان وجود داشته است؟ نمونه های دیگری هم داشتیم. در بعضی قبرها، جمجمه های شش نفر را کنار هم و گردیم گذاشته و بقیه قسمت های بدن آن ها را وسط قرار داده اند.

گفتم که در قبرها اشیایی هم وجود داشته اند، ولی در بعضی قبرها چیزی نبود و خالی بودند. البته ممکن است، اشیایی از مواد فاسد شدنی، مانند حصیر، چوب، پارچه و... بوده اند که از بین رفته اند. اشیای داخل قبرها هر کدام برای منظور خاصی بوده اند. بعضی شغل متوفی و بعضی اعتقادات او را نشان می دهند. بعضی هم جنبه یادگاری و سنت را

سنگ لا جورد بوده و آن را به صورت کلوخه از بدخشان می آورند. آن را شکل می دادند و به صورت مهره با واسطه هایی به بین النهرين صادر می کردند؛ به دلیل این که بازار بین المللی پنج هزار سال پیش در بین النهرين بوده است. در واقع به سفارش بازار مهره سازی می کردند.

مردم شهر سوخته به زیبائی ظاهري خودشان هم خيلي علاقه داشتند. مردان و زنان گردنده های داشتند که مهره های آنها از جنس های متفاوتی بودند؛ فيروزه که از آسیای مرکزي وارد می شد، استخوان، طلا، عقيق و صدف های دریابی. جواهر سازی در شهر سوخته کار آسانی نبوده است، چون مهره های ظریف را باید چنان سوراخ می کردند که نخ از آنها بگذرد.

**ج) سخنان دکتر سجادی در بازدید از شهر سوخته**  
قبل از شروع بازدید لازم است، به یک موضوع اشاره کنیم و آن، موضوع زبان و خط مردم در شهر سوخته است.

در مورد زبان خدمتستان عرض کنم که علم باستان‌شناسی هنوز نمی تواند بدون استفاده از نوشتار، زبان مردم را بشناسد. لازم است خط شناخته شده ای از آنها در دست باشد. مثل زمان هخامنشی که فارسی باستان صحبت می کردند و ما از منابع و کاتال های گوناگون در مورد آن، اطلاعات به دست آورده ایم. یونانی ها نوشته‌اند، زبان امروز خود ماتکامل آن زبان است. بعضی از واژه هایی را که امروز به کار می بریم، در آن زمان هم به کار می برند و خطشان هم کاملاً خوانده شده است. ولی در مورد پیش از تاریخ، دسترسی به زبان در حال حاضر غیرممکن است؛ گرچه به این منظور کوشش هایی در سطح جهان انجام گرفته است. مثل خواندن براساس نقش های روی سفال ها. وقتی سفالگر سفال را می ساخته و انگشتان دستش حرکت می کرده، احتمالاً با خود زمزمه هایی داشته است. می کوشند امواج این زمزمه ها را که در هوا بوده، بگیرند و بازسازی کنند و به نوعی از صداها و حرف ها برسند. این از مسئله زبان. در مورد کتابت و خط لازم است توجه کنیم که در ابداع نوشتن، ضرورت ثبت و ضبط اموال مطرح بوده است. نخستین اثرهای نوشته شده، علامتی هستند که ارقام را بیان می کنند. فرض کنید، یک نقطه می گذاشتند یعنی یک، و دو نقطه می گذاشتند یعنی دو. شهر سوخته هم به دلیل این که یک شهر است و در شهرها مسائل مالی و اقتصادي اهمیت داشته اند، از این قاعده مستثنای نیست. یعنی در اینجا هم کتابت اقتصادي وجود داشته است و ما امیدواریم، روزی آرشیو شهر را پیدا کنیم؛ آرشیو مربوط به دوره های جدیدتر شهر، یعنی دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد را.

به کمک چنین آرشیوی ما می توانیم به ارتباطات شهری پی ببریم، ولی آنچه که تاکنون در اینجا پیدا شده، یک لوحه گلی است که ما به این گونه لوحه ها، لوحه بالشتی شکل می گوییم. روی این لوحه نوشته ای وجود دارد که مشخص شده، این نوشته یک فاکتور رسید است که شخصی به شخص دیگری داده است. روی آن هم با نقش نوشته است که فلاں مقدار از فلاں کالا خریده شد. این قدیمی ترین نوشته ای است

که در اینجا پیدا شده است. از این لوحه ها در شوش بسیار زیاد است. خط مورد استفاده آن زمان خط علامت بوده است که در آن، هر علامت یک معنا دارد. این علامت در واقع پدران خط میخی و... هستند، ولی ما اینجا خطی که بتوانیم آن را طبقه بندی تصویری کنیم، نداریم. در شهر سوخته، روی سفال های علامت گوناگون وجود دارند که علامت مجازی هستند، ولی مانندی دانیم واقعاً سفالگر آنها را به صورت یک علامت زده است یا می خواسته پیام را برساند. کار علامت رساندن پیام است. یعنی مردم شهر سوخته می خواستند، پیام را بکدیگر برسانند. تا حالا هیچ کدام از این علامت و پیام ها کشف نشده اند.

در یک طبقه بندی بسیار اولیه و فرضی که ما انجام داده ایم، بعضی از این علامت می توانند معنای داشته باشند، ولی آنچه که ما توانسته ایم طبقه بندی کنیم، خیلی محدود است و اعتقاد زیادی به آنها نداریم؛ چون در مراحل اولیه کار، تعداد پیام ها بسیار زیاد است، ولی شباهت هایی با هم دارند.

در سال ۱۳۷۹ در قریب یک بچه، کاسه ای پیدا کردیم مربوط به ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد که داخل آن علامتی شبیه خط وجود دارد، ولی با هیچ کدام از خط های شناخته شده مطابقت ندارد. از سوی دیگر علامت ترثیتی هم نیستند. به نوعی خط را القا می کنند، ولی عرض کردم، هیچ مطابقتی با علامت و خطوطی که حتی در دره سند پیدا شده اند، ندارند. الان هم، همکاران خط شناس ما مشغول مطالعه هستند، ولی هنوز چیزی در این باره نفهمیده اند و این موضوع همچنان سوال بزرگی است. ماحقی نمی دانیم، اصلاً این اثر مربوط به این جاست یا نه. چون بسیار شبیه آثار شوش است و اگر روی آن نوشته نشده بود، متعلق به شهر سوخته است، فکر می کردیم مال شوش است. شاید هم از شوش به اینجا انتقال یافته و در اینجا پیدا شده است. در هر حال، با توجه به ویژگی های زندگی شهری، باید احتمال وجود نوعی خط در اینجا را هم جدی گرفت. این که ما پیدا نکرده ایم، دلیل وجود نداشتن آن نیست. مسلم است که بالاخره کسی آرشیو و بایگانی شهر سوخته را پیدا خواهد کرد. در هر صورت، در مورد کتابت تنها اطلاع موجود همین است و ماتا دو درصد از خط و کتابت اینجا اطلاع داریم.

○ آقای دکتر در مورد لوله های سفالی یافت شده در اینجا، توضیحی بدھید.

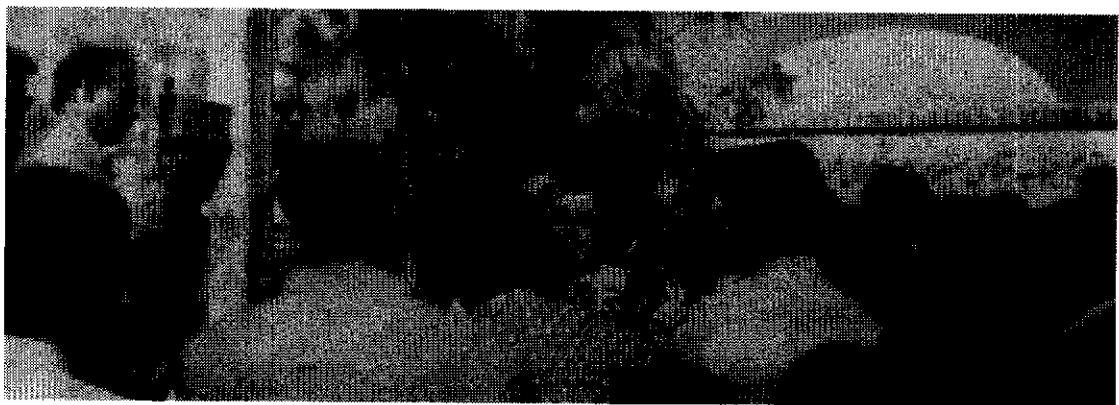
● ما می دانیم که این لوله ها مخصوص انتقال مایعات بوده اند، اما چندان مشخص نیست که این لوله مخصوص آب بوده اند یا فاضلاب؛ که البته دلیل آن کوتاهی و قصور ما باستان شناسان است. چون وقتی این لوله ها پیدا شدند، از داخل لوله ها نمونه برداری نشد.



تمام باستان‌شناسان دنیا به بین‌النهرین توجه دارند و این منطقه را از جاهای دیگر مهم‌تر می‌دانند. اما ما معتقدیم، آنچه که در بین‌النهرین هست، شاید از این جا به بین‌النهرین رفته باشد.

جیرفت که پیدا شد، کلی ما را جلو انداخت. چون آنچه که در جیرفت وجود دارد، در بین‌النهرین هم بوده است. مثلاً اگر در بین‌النهرین چند جام زیبا یافتند در جیرفت چند برابر آن پیدا شد. یکی از هدف‌های ما هم این است که ارتباطی بین جیرفت با شهر سوخته پیدا کنیم. آقای دکتر، درباره اعتقاد مردم این جا چه اطلاعاتی به دست آمده است؟

● براساس آنچه که در گورها پیدا شده است، آن‌ها به زندگی بعد از مرگ



ایستگاه‌ها و این  
تبادل‌ها  
همین طور ادامه  
داشتند تا مثلاً  
کسالاً به  
بین‌النهرین  
می‌رسید.  
بنابراین، سخن  
گفتن از ارتباط  
مستقیم شهر  
سوخته با

اعتقاد داشته‌اند. این خودش نوعی اعتقاد به ماورای طبیعت است. نهایت این است که آن‌ها به وجود خدای واحد و یگانه پی‌برده بودند و این طبیعی است. آن‌ها عناصر طبیعت را هم نمی‌پرستیدند. تنها چیزی که ما می‌توانیم خدمت شما بگوییم این است که گاو راستایش می‌کردند و نور را هم به اعتباری می‌ستودند. ماحتنی ساعت و وقت تدفین افراد را هم کم و بیش تشخیص داده‌ایم. آن‌ها جهت صورت و چشمان مرده را به سمت خورشید قرار می‌دادند. اگر هم غروب فرادردن می‌کردند، او را از پشت می‌گذاشتند؛ یعنی این که تاریکی مطلق بالای سرش بوده است. اگر هم مثلاً ساعت دوازده ظهر بوده است، سر و صورتش درست دارد به نقطه مرکزی آسمان نگاه می‌کند. گاو را هم راستایش می‌کردند و این راستایش عجیب نبوده است، زیرا موجودی مفید است و می‌توانستند از او استفاده کنند؛ هم هنگام زنده بودنش و هم هنگام مردنش. بنابراین، جزئی از اقتصاد خانواره و زندگی آن‌ها بوده است.

○ استاد در مورد آتش سوزی در این شهر بفرماید؟

● آتش سوزی یک پدیده طبیعی است. در شهر چوب، حصیر و علوفه زیاد بوده و باد هم که وجود داشته است. بهتر از من می‌دانید که اگر جرقه‌ای به وجود می‌آمده، به راحتی آتش سوزی می‌شده است. در آن زمان آتش نشانی هم وجود نداشته و اگر جایی آتش می‌گرفته، خیلی راحت و ساده به جاهای دیگر سرایت می‌کرده است. خانه‌ها هم با چوب و حصیر ساخته شده بوده که آتش آن‌ها را به راحتی از بین می‌برده است.

اگر نمونه‌برداری انجام می‌شد، نوع ماده‌ای که در آن جریان داشته است، مشخص می‌شد.

○ آقای دکتر، گفته شده است، شهر سوخته حلقه رابط تمدن‌های غرب ایران، از جمله بین‌النهرین، با تمدن‌های شرقی، از جمله دره سند بوده است. آیا این درست است؟

● بین‌النهرین و کوه‌های بدخشان حدود ۴ هزار کیلومتر فاصله بوده است و کسی که بین این‌ها است، نه ساکنان بین‌النهرین و نه ساکنان کوه‌های بدخشان را، نمی‌شناخته است، ولی با واسطه‌هایی با آن‌ها ارتباط‌هایی بوده است. مثلاً انسان شهر سوخته، کالای را ۱۰۰ کیلومتر آن طرف تر مبادله می‌کرد و طرف او هم، کالا را به آن سوتر می‌برد. این

تمدن‌های غرب و شرق ایران، سخن چندان دقیق نیست.

○ آقای دکتر در مورد یافت نشدن سلاح جنگی و سکه در شهر سوخته توضیح بفرماید.

● البته تعدادی ابزار پیدا شده است که برای شکار هستند. سکه هم تاکنون پیدا نشده است.

○ استاد بفرماید، افرادی که در این جا بوده‌اند، ساکن بوده‌اند یا مهاجر؟

● آن‌ها مهاجر بوده‌اند و به تدریج آمده‌اند و با اقوام بومی مخلوط شده‌اند. اغلب مهاجران از شرق و شمال، و گروه کمی هم از سایر نقاط آمده‌اند. زمانی که این جا صنعتی و شهرنشینی می‌شود، افرادی برای رفاه و آسایش خود به این جا هجرت می‌کنند.

○ آیا در زمینه تقسیم‌بندی نژادی، می‌توان چیزی در مورد مردم شهر سوخته پیدا کرد؟

● خیر، نژاد هم مثل زبان است. البته ما برنامه‌ای برای تحقیق درباره زیست‌شناسی و انسان‌شناسی ساکنان این شهر داریم.

○ آقای دکتر بیخشید، یک سوال که ارتباط مستقیم هم با شهر سوخته ندارد، اما معلمان سراسر کشور آن را مطرح می‌کنند، جریان کشفیات جیرفت است. لطفاً در این باره توضیح بفرماید.

● سال ۱۳۶۳، تپه‌های باستانی جیرفت را من پیدا کدم. گزارش هم نوشتم و چاپ شد؛ خیلی قبل از این که اتفاقات اخیر بیفتد. پیدا شدن محوطه تاریخی جیرفت به ماخیلی کمک کرد و ما هم خیلی خوشحالیم.